

## مدل یابی معادلات ساختاری سبک‌های هویت‌یابی و خودکارآمدی با نگرش به بزهکاری در دانش‌آموزان

علیرضا قربانی<sup>۱\*</sup>، سمانه یازلو<sup>۲</sup>

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۰۲

### چکیده

**هدف:** مقاله حاضر با هدف بررسی رابطه بین سبک‌های هویت‌یابی و خودکارآمدی با نگرش به بزهکاری در دانش‌آموزان دبیرستانی پسر متوسطه دوم گرگان انجام شد.

**روش‌شناسی:** روش تحقیق، توصیفی از نوع همبستگی بود، جامعه آماری شامل ۲۷۰۰ دانش‌آموز بود که ۳۳۰ دانش‌آموز به شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب و به پرسشنامه‌های سبک هویت‌یابی برونسکی (۱۹۸۹)، خودکارآمدی عمومی شرر و مادوکس (۱۹۸۲) و نگرش به بزهکاری پویا (۱۳۸۸) پاسخ دادند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی و رگرسیون با نرم افزار SPSS, Lisrel استفاده شد.

**یافته‌ها:** بر اساس یافته‌های پژوهش بین سبک هویت‌یابی با نگرش مثبت به بزهکاری ارتباط منفی و معنادار ( $R = -0/96$ )، بین سبک‌های هویت‌یابی با خودکارآمدی رابطه مثبت و معنادار ( $R = 0/73$ ) و بین خودکارآمدی با نگرش به بزهکاری ارتباط منفی و معنادار ( $R = -0/71$ ) به دست آمد. نتایج تحلیل رگرسیون حاکی از آن بود که سبک‌های هویت‌یابی و خودکارآمدی می‌توانند مقداری از واریانس نگرش مثبت به بزهکاری را پیش‌بینی نماید ( $\beta = 0/96$ ). معادلات ساختاری نیز نشان داد مدل برازش خوبی از داده‌های دنیای واقعی داشته و تأثیر متغیر خودکارآمدی در مؤلفه‌های نگرش به بزهکاری تأیید شده و برازش معنی‌دار بود.

**بحث و نتیجه‌گیری:** با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان از سبک‌های هویت‌یابی و خودکارآمدی در کاهش نگرش به بزهکاری استفاده نمود.

**واژگان کلیدی:** نگرش به بزهکاری، سبک‌های هویت‌یابی، خودکارآمدی، دانش‌آموزان

۱. استادیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) a\_ghorbani@pnu.ac.ir

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، گروه علوم اجتماعی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

## مقدمه

یکی از موضوعاتی که توجه روان‌شناسان و حقوق‌دانان کشورهای مختلف را به خود جلب کرده است گسترش خلافکاری در بین نوجوانان است. خلافکاری از نگاه حقوقی رفتاری است که بر علیه قوانین و هنجارهای اجتماعی از طرف جوانان زیر ۱۹ سال انجام می‌پذیرد، رفتاری همانند غیبت از مدرسه، فرار از خانه، سرقت و انحرافات جنسی... (Farjad, 2004). رفتارهای پرخطر توسط نوجوانان به صورت پیش‌روندهایی آغاز می‌شود حتی مصرف مواد مخدر بر اساس شاخص‌های خطرناک و محافظت‌کننده پیشگیری فردی، خودکار آمدی اجتماعی، خانواده، همسالان، مدرسه و تا حدودی قابل پیش‌بینی است (Habibi et al, 2012). رفتارهای بزهکارانه جوانان انواع مختلفی دارد که بر حسب عمق، شدت و پیامدهای آن به بزهکاری‌های شدید مانند تجاوز به عنف، سرقت مسلحانه، سوء مصرف الکل و مواد مخدر و بزهکاری‌های ملایم نظیر: فرار از خانه و مدرسه، تخریب اموال عمومی و خصوصی و دزدی‌های کوچک تقسیم می‌شوند (Ahmadi, Moeini, 2015).

خودکارآمدی به عنوان ادراک فرد در مورد توانایی خود برای عمل موثر در همه موقعیت‌های متفاوت تعریف شده است (Chen & al, 2001). نوجوانی، سنی حساس در ایجاد رفتارهای مقابله‌ای و پاسخ به نیازهای محیطی است. این دوره به واسطه‌ی تغییرات فیزیکی، شناختی و اجتماعی با انبوهی از مشکلات و رفتارهای پرخطر همراه است. اختلال در عوامل خودکارآمدی می‌تواند منجر به بروز اختلالات غیرقابل جبران شود، بنابر این خانواده به عنوان یک سیستم اجتماعی، در طول تاریخ نقشی حیاتی برای رشد، پیشرفت و اجتماعی شدن نوع انسان ایفا کرده است. خانواده، بدون شک مهم‌ترین سازمانی است که بسترساز رشد و رفاه جسمی، روانی و اجتماعی فرزند و عامل رسیدن وی به تعادل فیزیکی، روانی و اجتماعی است (Mousavi, 2016).

Phillips, Shonkoff (2000) بر این اعتقادند که معابر توسعه‌های فردی در چرخه زندگی، متأثر از واکنش بین عوامل خطر که احتمال یک عملکرد ضعیف را افزایش می‌دهند و عوامل خودکارآمدی که احتمال عملکرد مثبت را بیشتر می‌کنند؛ از این رو، خانواده و روان‌شناسان در پی آنند نوجوانانی را که از نظر روانی، تأثیرپذیرتر از محیط می‌باشند و هنوز از نظر روانی، بسیاری از مراحل رشدی خود را نگذرانده‌اند، از طریق آموزش و یا با ارائه راهکارهای مناسب برای مواجهه با برخی استرس‌های محیطی به آن‌ها بیاموزند تا در عین حال که هماهنگی‌های لازم را برای سازگاری با محیط بیابند. از نظر بندوار خودکارآمدی، بنیادی‌ترین ساز و کار ضروری انسان برای مدیریت و کنترل حوادثی است که بر زندگی افراد اثر گذار است (Zimmerman B, Kitsantas, 2005). خودکارآمدی پایین با علائم اضطراب، افسردگی و نشانه‌های روان‌تنی بالا ارتباط دارد (Benight, Bandura, 2004) در خودکارآمدی بالا، افراد مشکلات و اهداف چالش‌انگیز را به عنوان تکلیفی که می‌توانند آن‌ها را با مهارت انجام دهند، انتخاب می‌کنند و تعهد عمیقی نسبت به آنها دارند. خودکارآمدی موجب می‌شود تا پس از سرخوردگی یا رویارویی با تجربه‌ی ناکامی‌ها هنوز هم به فعالیت ادامه دهند (Shamsi, Amirianzadeh, 2017).

در سطوح چندگانه اکولوژی اجتماعی، عوامل خودکارآمدی و عوامل خطرناک از خصوصیات زیستی و روان‌شناختی فرد گرفته تا خانواده و اجتماع، یافت شده‌اند (O'connell, Boat, Warner, 2009). در این میان از نظر Scheier, Carver (1992) اختلال در سبک‌های هویت‌یابی، تعیین‌کننده اصلی مشکلات رفتاری است. سردرگمی در نقش، موجب می‌شود که شخص به رفتارهای ناسازگارانه دست بزند و برای جبران این سردرگمی به گروه‌های بزهکار بپیوندد (Sharifi, 2006) همان‌طور که پیداست می‌توان به تأثیرپذیری (خود) از محیط در صورت الگوپذیری اشتباه پی برد. سبک‌های هویت‌یابی در کودکان و نوجوانان این‌گونه به دست‌آمده است: خوش‌بینی، خود پنداره، تعلقات خانوادگی، خودکنترلی، منبع کنترل درونی، نیاز به تأیید، روابط اجتماعی و مدرسه (Khalili, 2010).

نوجوانی، مرحله‌ای گریزناپذیر از تحول آدمی است که به دلیل حساسیت ویژه، همواره مورد توجه واقع شده است. تغییر و تحول آدمی در این دوره مهم، در جنبه‌های بدنی و روان‌شناختی پراهمیت تلقی می‌شود. مهم‌ترین پدیده نوجوانی مجهز شدن و معقول شدن شخصیت فرد است که فراهم آوردن شرایط آن تحت اشکال مختلف در اعمال نوجوان جلوه‌گر می‌شود. هویت و شیوه شکل‌گیری آن از موضوعاتی است که مورد توجه بسیاری از حوزه‌های علمی همانند روانشناسی جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و حتی ادبیات و هنر

است. این موضوع از یک طرف نشان‌دهنده اهمیت و از طرف دیگر نشانه‌ای وسیع بودن موضوع هویت می‌باشد. اریکسون تأکید ویژه خود را در این مرحله بر کسب هویت در برابر پریشانی نقش بنا نهاده است. بی شک شکل‌گیری هویت تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله: روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و زیست‌شناختی است. به یاری هویت است که افراد به تعریفی از خویش می‌رسند، چنان‌چه این تعریف با واقعیت اجتماعی آن‌ها در ستیز باشد، کیفیت‌هایی چون عدم پختگی، فشار روانی و مشکلات رفتاری را امتحان می‌نمایند (Shokrkon, et al, 2001). اگر پروسه هویت‌یابی نوجوانان آشفته شود، نوجوانان دچار نابسامانی هویت خواهند شد که می‌تواند سبب بزهکاری، ناسازواری‌های اجتماعی، پریشانی در هویت جنسی و حملات روان‌پریشانه شود (Narenjiha, 2009).

بنابر این با عنایت به این‌که انسان موجودی اجتماعی است و تعامل وی با محیط امری بدیهی خواهد بود، لذا به نظر می‌رسد مؤلفه‌های خودکارآمدی به‌طور یک‌جا و با یکدیگر، دارای نقش پررنگ و مهمی در حمایت افراد می‌باشند و فرد با داشتن مجموعه‌ای از این مؤلفه‌ها در سطح مناسب، در مقابل عوامل خطرزا و جوامع پرخطر تا حدودی ایمن خواهد بود. O'Leary (۱۹۹۲) در تحقیق خود به این نتیجه رسید که برخلاف افراد با خودکارآمدی پایین، افراد با خودکارآمدی بالا بیشتر احتمال دارد که رفتارهای زیان‌آور (مثل چاقی) را کنترل و رفتارهای خودتخریبی (مثل استعمال دخانیات و مشروبات الکلی) را متوقف کنند. Abolghasemi, et al (2013) بیان داشتند که بین خودکارآمدی با گرایش به مصرف مواد در نوجوانان رابطه منفی معناداری وجود دارد. در پژوهشی که Sterling, et al (2007) بر روی ۲۷۶۷ دانش‌آموز انجام دادند مشخص شد که خودکارآمدی به‌طور مستقیم بر روی توجهات نسبت به سیگار اثر داشته و می‌تواند به عنوان یک راهکار مفید در پیشگیری از مصرف سیگار و هم‌چنین در ترک سیگار به کار گرفته شود. افزایش رفتارهای بزهکارانه در نوجوانان کشورمان اکثر خانواده‌ها و متصدیان امور تربیت را نگران نموده است. چنان‌چه بزهکاری یک بیماری و آسیب اجتماعی برداشت گردد، طبقه نوجوانان به‌عنوان یکی از طبقات آسیب‌پذیر جامعه در معرض ابتلا به عارضه بزهکاری هستند یا به نوعی از آن دچار شده‌اند. اگر با نگاه جامعه‌شناسی به پدیده انحرافات اجتماعی نگاه کنیم بزهکاری را می‌توان به منزله یک بیماری اجتماعی برداشت کرد که باید درمان شود. بدون شک برای مبارزه با هر بیماری باید نخست آن را شناخت و به بسترهای پیدایی آن پی برد، سپس به شخص مریض کمک نموده و از بروز مجدد بیماری جلوگیری کرد. بنابر این، این‌گونه بررسی‌ها و پژوهش‌ها اجتناب‌ناپذیر هستند تا کژروی‌ها و جنایات بهتر و با دقت‌تر شناخته شود، محل نمو و پرورش آن‌ها کشف گردد و در نهایت راه‌های بهبود و بازپروری خلافکاران صاف شود. سرانجام این‌گونه جستجوهاست که امکان جلوگیری از مبتلا شدن به بزهکاری و سقوط پتانسیل‌ها را در وجود افراد انسانی در جامعه، آماده می‌نماید و خانواده و حاکمیت، اکنون و آینده کشور از آسیب‌های مادی و معنوی فراوانی نجات پیدا می‌کند. ساختن آینده کشور وابسته به داشتن نیروهای جوان با سلامت جسمانی و روانی است، بنابر این ضروری است همه ظرفیت‌های کشور برای جلوگیری، مبارزه و ریشه‌کن کردن خلافکاری جوانان و نوجوانان جامعه مان به خدمت بگیریم. Yousefi (2015) نشان دادند گرایش به بزه با سبک هویت سردرگم اجتنابی، سبک فرزند پروری سهل‌گیرانه و ارتباط باهمسالان رابطه مثبت و معنی‌دار و با سبک هویت اطلاعاتی، تعهد، سبک فرزند پروری مقتدرانه و ارتباط با والدین رابطه منفی و معنی‌دار دارد. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نیز نشان داد که سبک‌های فرزند پروری، هویت و دلبستگی به والدین و همسالان می‌توانند به‌صورت ترکیبی ۲۷ درصد از واریانس گرایش به بزهکاری را پیش‌بینی کنند. نتایج این پژوهش نشان داد که سبک‌های فرزند پروری، هویت و دلبستگی نقش مهمی در پیش‌بینی گرایش به بزهکاری دارند.

Hosseini Dolatabadi, et al (2013) نتیجه گرفت: بین روش فرزندپروری اقتدار منطقی با نگرش مثبت به بزهکاری ارتباط معنی‌دار و منفی، و بین روش‌های فرزندپروری استبدادی و آسان‌گیرانه با نگرش مثبت به بزهکاری، رابطه معنی‌دار و مثبت، بین خودکارآمدی با نگرش مثبت به بزهکاری رابطه معنی‌دار و منفی است. بعلاوه بین روش فرزندپروری اقتدار منطقی با خودکارآمدی رابطه معنادار و مثبت، و بین روش فرزندپروری استبدادی با خودکارآمدی ارتباط معنی‌دار و منفی به دست آمد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد خودکارآمدی و روش‌های فرزندپروری آسان‌گیرانه و استبدادی توانسته‌اند ۱۱ درصد از واریانس نگرش مثبت به بزهکاری را پیش‌بینی نمایند. سرانجام روش‌های فرزندپروری اقتدار منطقی، استبدادی و سهل‌گیرانه توانسته‌اند ۴۳ درصد از واریانس خودکارآمدی را پیش‌بینی نمایند. Makhzan (2011) نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که بین ۱.

حالات عاطفی و فیزیکی، ۲. ترغیبیت کلامی یا اجتماعی ۳. تجربه‌جانشین ۴. تجربه موفق با خودکارآمدی مدیران رابطه معنادار و مثبت پیدا کردند؛ اما متغیرهایی همچون: جنسیت، سنوات خدمت مدیران با خودکارآمدی ایشان رابطه معناداری ندارند. دوره تحصیلی که مدیران در آن مشغول به کار بودند، با خودکارآمدی مدیران رابطه معنادار و مثبت پیدا کرد. Nye (1958) در پژوهش خود به این نتیجه رسیده متغیرهای خانوادگی نظیر روابط فرزند، والدین، تقیدهای خانوادگی، انضباط و سرپرستی و پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده با بزهکاری ارتباط معناداری دارد (Hashemianfar, Akbarzadeh, 2014).

Abachi (2011) در آزمون نظریه کنترل اجتماعی نتیجه گرفت، افزایش پای بندی های کودکان به پدر و مادر و سپری نمودن بیشتر اوقات فراغت فرزندان با والدین، تمایل فرزندان به خلافکاری را کاهش می‌دهد. نتایج پژوهش های متعدد در خصوص رابطه خانواده و بزهکاری نشان داد: ناسازگاری های زوجین، گسستگی و عدم توجه والدین جزو عوامل مهم بزهکاری فرزندان است. Cleveland, Feinberg, Greenberg (2010) در بررسی نقش خانواده‌های حمایت گر در محیط‌های پرخطر و کم‌خطر بر روی دانش‌آموزان کلاس های ششم تا دوازدهم، نشان دادند در دانش‌آموزانی که در مدارس پرخطر بودند، عوامل سطح خانواده دارای نقش حمایتی کمتری می‌باشند. رفتارهای خلافکارانه از طریق ارتباط با افراد خلافکار تعلیم گرفته می‌شود و از نسل کنونی به نسل آینده منتقل می‌شود. سر و کار داشتن با گروه های هم سن بزهکار و مقدار روبرو شدن با بزهکاری و جرم را می‌توان سنجش نمود. هم چنین وی دریافت که رابطه‌ی مستمری بین رفتارهای خلافکارانه و روابط با هم سن و سال بزهکار، هم برای پسران و هم برای دختران امکان دارد (Rajaei, 2002).

Green (۱۹۸۹) نشان داد که با عدم تایید خانواده و هم سن و سال ها می‌توان از انجام جرم جوانان پیشگیری نمود. هم چنین Bruinsma (1992) دریافت، جوانانی که معتقد یودند دوستان و خانواده از رفتار خلاف آن‌ها حمایت می‌نمایند، نسبت به زیر پا گذاشتن قواعد و قوانین احساس رهایی داشتند و آن‌هایی که حس می‌نمودند دوستان و خانواده از رفتار و کردار آنان ناراضی هستند از رفتار خلاف دست برداشتند. بر اساس نظریه‌ی کنترل اجتماعی Hirschi (۲۰۱۷) مهم‌ترین عامل در مهار رفتارهای خلافکارانه پیوستگی فرد با نهادهای اجتماعی است. آسیب دیدن این پیوستگی ها، ممکن است فرد را هنجارگریز نماید. بر اساس این نظریه، تمام افراد به‌طور فی نفسه خلاف کار و جنانی هستند. نظارت های اجتماعی موجب حفظ نظم می‌شوند نه نگرش‌های اخلاقی، عدم نظارت اجتماعی و عدم علاقه‌مندی به دیگران، موجب می‌شود یک جوان آزاد مرتکب اعمال خلاف شود (Siegle, Senna, 1997). Hirschi (۲۰۱۳) دریافت، جوانانی که به‌شدت به والدین خود دل‌بسته بودند، حتی والدین جنایتکار، احتمال کمتری داشت که به بزهکاری دست بزنند. او هم چنین دریافت که نبود دل‌بستگی به مدرسه و تحصیلات عامل مهمی در بزهکاری است. علاوه بر این دریافت، جوانانی که روابط نزدیکی با دوستان خود دارند، احتمال کمتری وجود دارد که درگیر بزهکاری شوند. بنابراین مسئله اصلی پژوهش این است: آیا بین سبک‌های هویت‌یابی و خودکارآمدی با نگرش به بزهکاری در دانش‌آموزان پسر متوسطه دوم گرگان رابطه معناداری وجود دارد؟

## روش شناسی

تحقیق حاضر توصیفی و همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان پسر متوسطه دوم گرگان به تعداد ۲۷۰۰ که با استفاده از جدول گرجسی و مورگان ۳۳۰ نفر با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از ۳ پرسشنامه به شرح ذیل استفاده شد.

سبک‌های هویت‌یابی Berzonsky (۱۹۸۹) استفاده شده است. این پرسشنامه دارای ۴۰ سؤال با طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت (کاملاً موافقم-موافقم-متوسط-مخالقم-کاملاً مخالفم) بوده و نحوه نمره‌گذاری ۱-۲-۳-۴-۵ به آن‌ها تعلق می‌گیرد. سبک اطلاعاتی سوالات ۲-۵-۶-۱۶-۱۸-۲۵-۲۶-۳۰-۳۳-۳۵-۳۷، سبک هنجاری سوالات ۴-۱۰-۱۹-۲۱-۲۳-۲۸-۳۲-۳۴-۴۰، سبک سردرگم سوالات ۳-۸-۱۳-۱۷-۲۴-۲۷-۲۹-۳۱-۳۶-۳۸ و تعهد ۱-۷-۹-۱۱-۱۲-۱۴-۱۵-۲۰-۲۲-۲۹ است.

سبک‌های هویتی برزونسکی، شامل موارد زیر است: -سبک اطلاعاتی: افراد سبک اطلاعاتی به صورت آگاهانه و فعال در جستجوی اطلاعات و ارزیابی آن‌ها می‌باشند (Hejazi, Fartash, 2006). -سبک هنجاری: افراد این سبک، در رویارویی با مشکلات به روش واکنشی و هم سو با انتظارات گروه‌های مرجع و دیگران عمل می‌کند و به صورت اتوماتیک و بدون خودارزیابی، ارزش‌ها و باورها را قبول می‌نماید. -سبک سردرگم- اجتنابی: افراد در این سبک، بی توجه اند و تا حد امکان تلاش می‌کنند موقعیت‌های اختلاف برانگیز و نیازمند تصمیم‌گیری را به تعویق بیندازند؛ مواقعی که چنین شرایطی وجود نداشته باشد، در تصمیم‌گیری اغلب به شرایط و پیامدهای محیطی اتکا می‌نمایند؛ هنگام تصمیم‌گیری، احساس ترس و اضطراب را تجربه می‌کنند و در این شرایط بیشتر از استراتژی‌های ناجور مانند اجتناب، بهانه آوردن و دلیل تراشی به کار می‌گیرند (Jokar, Latifian, 2006).

برای سنجش خودکارآمدی عمومی از پرسشنامه استاندارد مدل Scheier, Maddux (۱۹۸۲) استفاده گردیده است این پرسشنامه از ۱۷ سؤال با طیف پنج گزینه‌ای (کاملاً مخالفم-مخالفم-متوسط- موافقم- کاملاً موافقم) که به ترتیب نمره ۱-۲-۳-۴-۵ به آن‌ها تعلق می‌گیرد. برای سنجش نگرش به بزهکاری از پرسشنامه استاندارد مدل Azmoonyar (2009) استفاده گردیده است. این پرسشنامه دارای ۱۹ سؤال با طیف پنج گزینه‌ای (کاملاً موافق، موافق، نسبتاً موافق، نسبتاً مخالف، مخالف و کاملاً مخالف) بوده است. فقر اقتصادی خانواده سوالات ۱ تا ۴، دوستان ناباب سوالات ۸ تا ۵، پایبندی خانواده به مذهب سوالات ۱۱ تا ۹، نحوه گذراندن اوقات فراغت سوالات ۱۴ تا ۱۲ و شرایط اجتماعی خانواده سوالات ۱۹ تا ۱۵.

برای اطمینان از روایی محتوایی، پرسشنامه‌ها در اختیار اساتید محترم گروه روان‌شناسی و علوم اجتماعی قرار گرفت و پس از تایید آنان اجرا گردید. پایایی پرسشنامه‌ها با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ محاسبه گردید و نتایج چنین است: پرسشنامه سبک‌های هویت‌یابی ۰/۸۶، پرسشنامه خودکارآمدی عمومی ۰/۸۳ و پرسشنامه نگرش به بزهکاری ۰/۷۵. برای تحلیل آماری داده‌ها از نرم‌افزار spss و Lisrel استفاده شد. در پژوهش حاضر از آمار توصیفی شامل جدول توزیع فراوانی، میانگین و واریانس و در آمار استنباطی از ضریب همبستگی و آزمون رگرسیون استفاده شده است.

## یافته‌ها

کلیه دانش‌آموزان پسر و همگی ساکن گرگان بودند. در پایه دهم ۱۲۰ نفر، پایه یازدهم ۱۰۰ نفر و پایه دوازدهم ۱۱۰ نفر دانش‌آموز در رشته علوم انسانی ۳۹/۴۰ درصد، علوم تجربی، ۳۶/۳۷ درصد و ریاضی فیزیک ۲۴/۲۳ درصد بودند. مدل یابی معادلات ساختاری متغیر نگرش به بزهکاری: برای تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیات پژوهش از شیوه مدل یابی معادلات ساختاری، با استفاده از نرم افزار لیزرل بهره برده ایم. شاخص‌های CFI<sup>۱</sup> و NFI<sup>۲</sup> و AGFI<sup>۳</sup> و GFI<sup>۴</sup> و IFI<sup>۵</sup> بین صفر و یک است و نزدیکی به عدد یک نشانه، نیکویی برازش مدل با داده‌های مشاهده شده می‌باشد (Hooman, 2005).

1. Comparative Fit Index

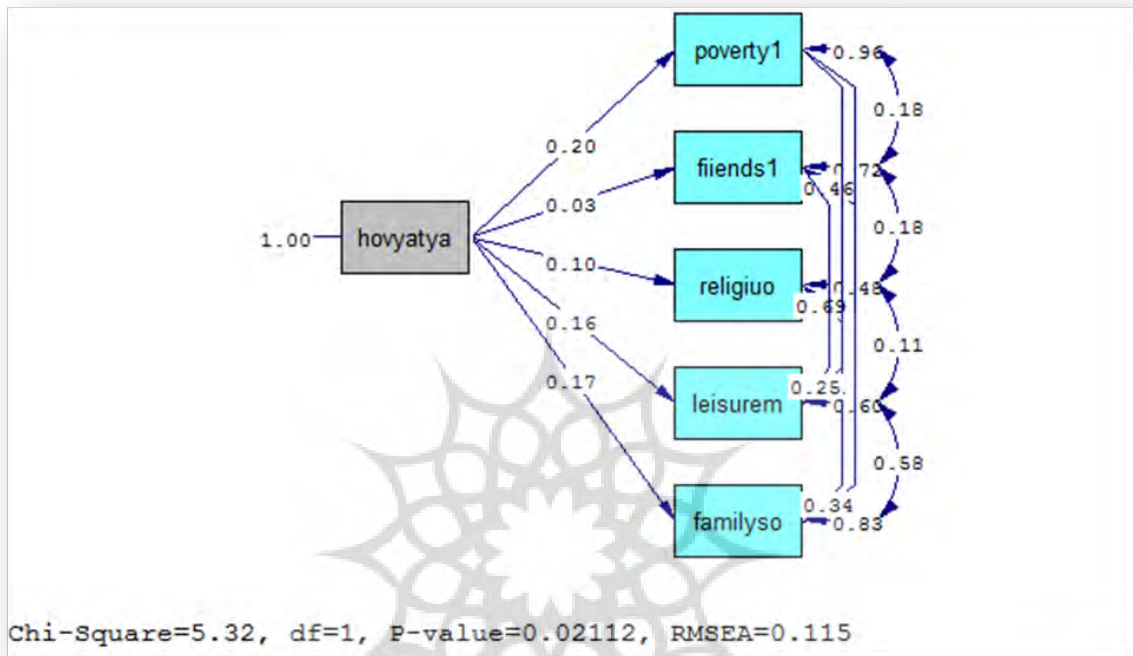
2. Normal Fix Index

3. Adjusted Goodness of Fit

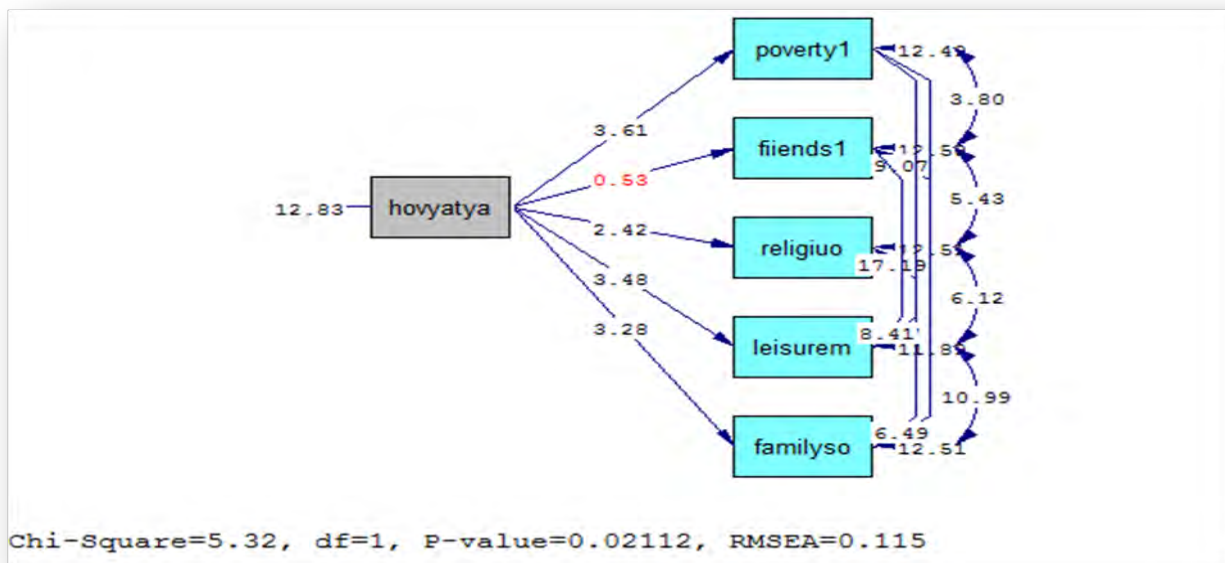
4. Goodness of fit index

5. Incremental Fit Index

در تحلیل عاملی ابتدا به بررسی معناداری کل مدل می‌پردازیم. تحلیل عاملی تاییدی روشی مناسب برای بررسی معنی‌داری پرسشنامه است. یک نمودار با بارهای عاملی برازش یافته برای هر مدل تحلیل عاملی استاندارد شده و یک نمودار با مقادیر آماره  $t$ -استیودنت رسم شده است. برای تعیین مناسب بودن یا نبودن برازش هر مدل از پارامترهای  $\chi^2$ ،  $p$ -value، RMSEA و Chi-Square استفاده می‌شود. مدل یابی معادلات ساختاری متغیر نگرش به بزهکاری (با متغیر سبک‌های هویت یابی): فرض  $H1$ : کلیت مدل معادله ساختاری اثرگذاری متغیر سبک‌های هویت یابی در مؤلفه‌های متغیر نگرش به بزهکاری تأیید می‌شود.

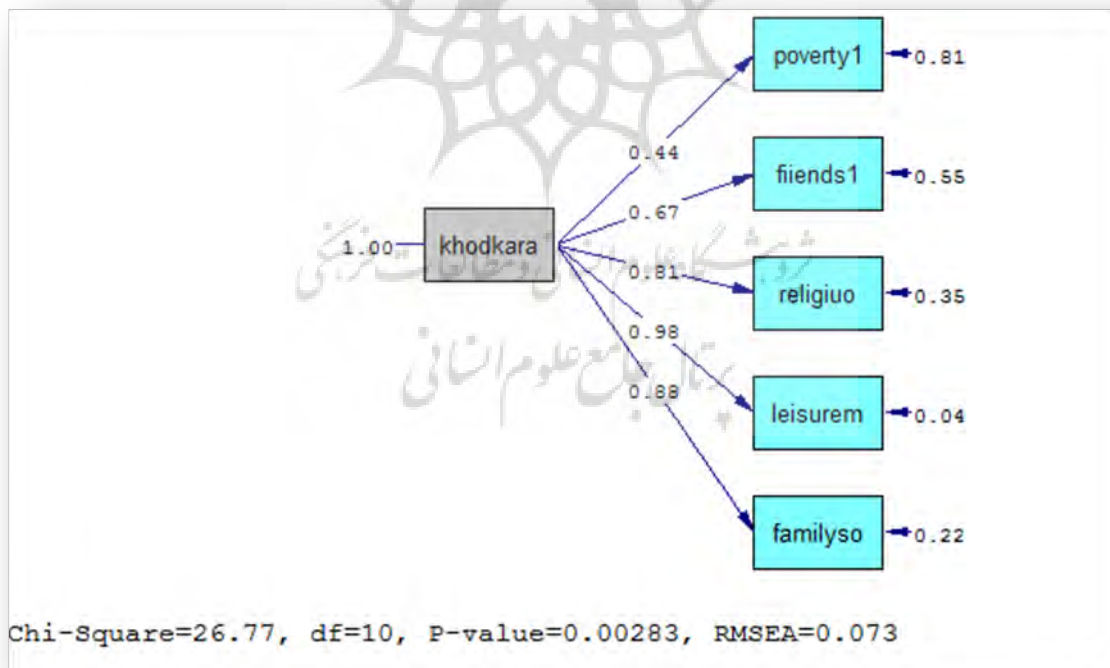


نمودار ۱. نمودار استاندارد نرم افزار

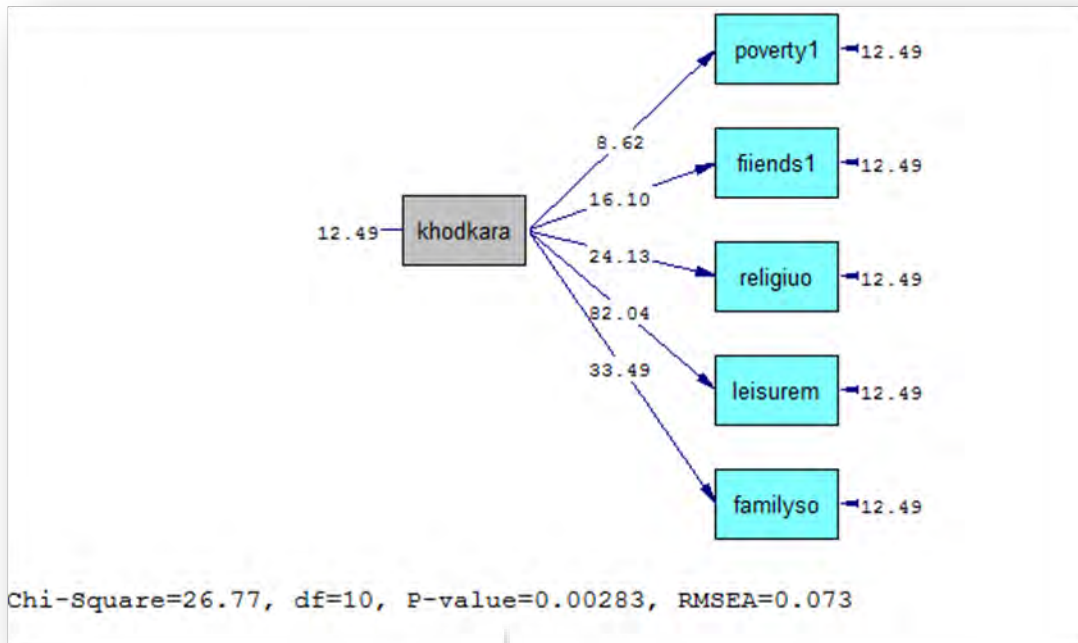


نمودار ۲. نمودار تی و ضریب معناداری

می توان نتیجه گرفت، مدل بالا برازش خوبی از داده های دنیای واقعی داشته است، میزان اثرگذاری مستقیم هر یک از ابعاد بر اساس خروجی نرم افزار به شرح ذیل ارائه می شود:  $NFI=0.96$  ;  $CFI=0.97$  ;  $IFI=0.97$  ;  $GFI=0.97$  ;  $AGFI=0.92$  ;  $RMSEA=0.11$  ;  $H1$ : کلیت مدل معادله ساختاری اثرگذاری متغیر خودکار آمدی در مؤلفه های متغیر نگرش به بزهکاری تأیید می شود.



نمودار ۳. نمودار استاندارد نرم افزار



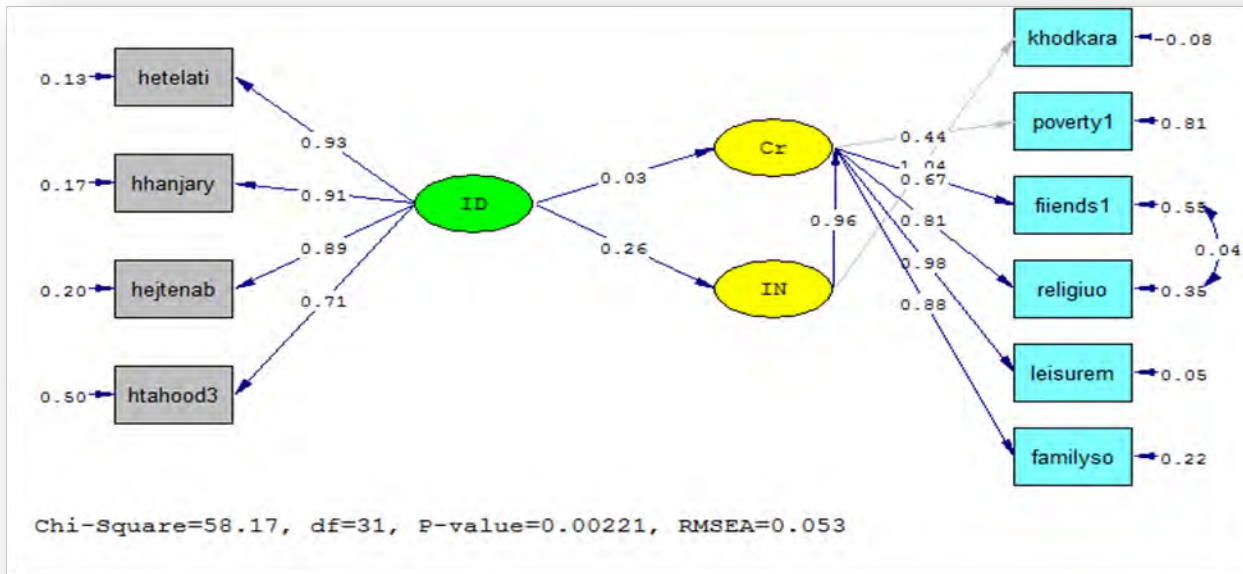
نمودار ۴. نموداری و معناداری نرم افزار

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مدل فوق برآزش خوبی از داده‌های دنیای واقعی داشته است، یعنی این در کلیت مدل معادله‌ی ساختاری، تأثیر متغیر خودکارآمدی در مؤلفه‌های متغیر نگرش به بزهکاری تأیید شده و برآزش معنی‌دار دارد. میزان اثرگذاری مستقیم هر یک از ابعاد بر اساس خروجی نرم‌افزار به شرح ذیل ارائه می‌شود:  $NFI=0/9$ ؛  $CFI=0/99$ ؛  $IFI=0/99$ ؛  $GFI=0/97$ ؛  $AGFI=0/94$ ؛  $RMSEA=0/07$ ؛  $\chi^2/df=26/10$ ؛  $P=0/00283$ .

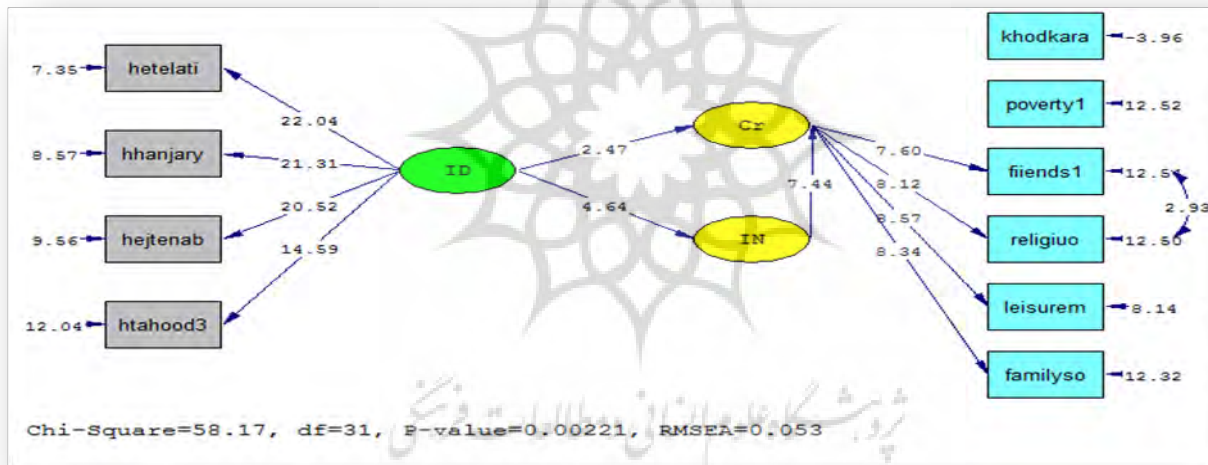
تحلیل مسیر<sup>۱</sup>: در تحلیل مسیر با دو عنوان سرو کار داریم. یکی مبحث ضرایب استاندارد می‌باشد و دیگری معناداری آزمون. ضرایب استاندارد در تحلیل مسیر عاملی همان شدت رابطه متغیر (شدت تأثیر متغیرها بر یکدیگر) می‌باشد، که معادل ضریب بتا در رگرسیون می‌باشد. مقدار آن عددی بین یک و صفر می‌باشد و هر چه مقدار با یک نزدیک‌تر باشد حکایت از تأثیر بیشتر متغیر می‌باشد.

<sup>۱</sup> . path analysis





نمودار ۵ ضرایب استاندارد تحلیل مسیر



نمودار ۶ مقدار تی برای بررسی ضریب معناداری تحلیل مسیر

بر اساس مدل ساختاری نهایی می‌توان گفت: ۱. مهم‌ترین عامل تاثیر گذار بصورت مستقیم بر سازه نگرش به بزهکاری، سازه خودکارآمدی است. بدین معنا که هر چه افراد در زندگی خود فاکتورهای خودکارآمدی را بیشتر به کار برده‌اند، نگرش آن‌ها به بزهکاری تغییر بیشتری را نسبت به دیگر افراد داشته است. ۲. عامل تاثیر گذار بعدی سازه سبک هویتی می‌باشد. این سازه بطور مستقیم رابطه ضعیفی داشته است، اما در رابطه غیر مستقیم ۰.۲۷ از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند. ۳. بر اساس میزان اثر کل هر عامل (که از جمع اثر مستقیم و غیر مستقیم بدست می‌آید) می‌توان دو سازه اثر گذار بر متغیر نگرش به بزهکاری را بدین شکل اولویت بندی کرد: ۱. سبک هویتی ۲. خودکارآمدی.

$$اثر مستقیم = ۰/۰۳$$

$$اثر کل = ۰/۲۴ + ۰/۰۳ = ۰/۲۷$$

$$اثر غیر مستقیم = ۰/۰۹۶ * ۰/۲۶$$

## بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این تحقیق، بررسی رابطه بین سبک‌های هویت‌یابی و خودکارآمدی با نگرش به بزهکاری در دانش‌آموزان پسر متوسطه دوم گرگان بود. از نتایج اصلی این تحقیق می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: سبک هویت‌یابی بر خودکارآمدی تأثیرگذار است. نتایج برآمده از رگرسیون ساده نشان داد متغیر سبک هویت‌یابی تأثیر مثبت و معناداری بر خودکارآمدی دارد؛ یعنی با افزایش میزان سبک هویت‌یابی در دانش‌آموزان و مدیران مدارس می‌توان انتظار داشت خودکارآمدی افزایش یابد؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که یکی از ویژگی‌های بارز سبک هویت‌یابی هویت اطلاعاتی، هویت هنجاری و هویت اجتنابی و تعهد، ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان و حمایت از خودکارآمدی است. سبک‌های هویت‌یابی با ایجاد انگیزه و فرصت برای آن‌ها فضایی ایجاد می‌نمایند که دانش‌آموزان بر اساس داشته‌ها و یادگیری‌های مستمر در درون و برون مدارس دست به خودکارآمدی بزنند. سبک هویت‌یابی می‌تواند تأثیر مثبت و مستقیمی بر خودکارآمدی داشته باشد و هم چنین حمایت و ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان که از صفات و ویژگی‌های آنان است، خودکارآمدی را تحت تأثیر مثبت قرار دهد، تحقیقات قبلی نیز به نتایج مشابه در این زمینه دست یافتند پس می‌توان ادعا نمود نتایج تحقیق مزبور در راستای نتایج تحقیق (Yousefi (2015)، Hosseini Dolatabadi, et al (2013) است.

سبک هویت‌یابی بر نگرش به بزهکاری تأثیرگذار است. نتایج تحقیق حاضر نشان داد سبک هویت‌یابی بر نگرش به بزهکاری تأثیر مثبت می‌گذارد. در راستای تأیید فرضیه مذکور می‌توان چنین بیان داشت نگرش به بزهکاری در جوانان و دانش‌آموزان بر نکات ظریف‌تر و با اهمیت‌تری تکیه می‌کند. در یک مدرسه فراگیر، مدیران طراح، ناظر و افراد هستند. مسئولیت آن‌ها، ساختن فضایی برای دانش‌آموزان است که در آنجا افراد به‌طور مستمر توانایی‌های خود را در جهت شناخت و فهم پیچیدگی‌ها، شفاف‌تر کردن آرمان‌ها و توسعه بخشیدن به نگرش به بزهکاری، گسترش دهند. این بدان معنی است که مدیران مسئول یادگیری دانش‌آموزان و توسعه شایستگی‌های فردی و کاهش بزهکاری هستند تحقیقات قبلی نیز به نتایج مشابه در این زمینه دست یافتند پس می‌توان ادعا نمود نتایج تحقیق مزبور در راستای نتایج تحقیق (Yousefi (2015)، Hosseini Dolatabadi, et al (2013) است.

سبک خودکارآمدی بر نگرش به بزهکاری تأثیرگذار است. نتایج به‌دست‌آمده از تحقیق نشان داد سبک هویت‌یابی بر نگرش به بزهکاری جوانان و دانش‌آموزان تأثیرگذار است. بر اساس مقایسه نتایج تحقیق حاضر با ادبیات تحقیق مشخص گردید یک از ویژگی‌های سبک هویت‌یابی این است که مدیران در باورها، ارزش‌ها و اهداف آموزش نفوذ کرده و تأثیر فوق‌العاده‌ای در دانش‌آموزان خود به‌جای می‌گذارند. آن‌ها از طریق گفتار و کردارشان کل ساختار آموزش را دچار تحول می‌کنند. پیروان این سازمان‌های آموزشی نسبت به آن‌ها احساس اعتماد و وفاداری می‌کنند. نفوذ سبک‌های هویت‌یابی از طریق کلمات، گفتگو، بینش و الهام‌بخشی به دیگران است. از سوئی دیگر نیز نگرش به بزهکاری، الگوهایی هستند دربرگیرنده باورها، مفروضات و ارزش‌ها که بر فهم ما از جهان و نحوه عمل ما اثر می‌گذارند. پس می‌توانیم چنین نتیجه بگیریم یکی از اصلی‌ترین کارهایی که هر دانش‌آموز در مدارس انجام می‌دهد تأثیر بر سبک هویت‌یابی و اثرگذار بر نگرش به بزهکاری است. در راستای تأیید فرضیه مذکور می‌توان چنین بیان داشت، مدیران نیازهای اساسی دانش‌آموزان را برآورده می‌کند. این مدیران نیازهای دانش‌آموزان را تشخیص می‌دهند و به آن‌ها کمک می‌کنند تا مهارت‌هایی که برای رسیدن به هدف مشخص لازم دارند را یاد بگیرند و پرورش دهند. با توجه به سبک‌های هویت‌یابی زمان فراوانی را صرف پرورش دادن، آموزش و تعلیم گروهی نموده و فرایندهای را که طی آن ظرفیت اعضاء گروه دانش‌آموزی توسعه‌یافته و به‌گونه‌ای هم سو شود که نتایج حاصله آن چیزی باشد که همگان واقعاً طالب آن بوده‌اند را حمایت و پشتیبانی می‌نماید. نتایج تحقیق با تحقیقات، (Yousefi (2015)، Hosseini Dolatabadi, et al (2013)، (Abolghasemi, et al (2013) O'Leary (1992)، (Springer, Phillips) (1997)، Sterling, et all (2007) هم خوان است.

هم چنین در معادلات ساختاری اثرگذاری متغیر سبک هویت‌یابی در نگرش به بزهکاری (فقر اقتصادی خانواده) مستقیم و ضعیف بوده و برابر با ۰/۲۰، در (پای بندی خانواده به مذهب) تأثیر مثبت، مستقیم و خیلی ضعیف بوده، برابر با ۰/۱۰، (نحوه گذران اوقات فراغت) تأثیر مثبت، مستقیم و ضعیف بوده، برابر با ۰/۱۶، (شرایط اجتماعی خانواده) تأثیر مثبت، مستقیم و ضعیف بوده، برابر با ۰/۱۷.

مورد تایید می باشد. هم چنین اثرگذاری متغیر سبک هویت یابی در نگرش به بزهکاری (دوستان ناباب) مورد تأیید نمی باشد. علاوه بر آن اثرگذاری متغیر خودکارآمدی در نگرش به بزهکاری (فقر اقتصادی خانواده) تأثیر مثبت، مستقیم و متوسط بوده، برابر با ۰/۴۴، (دوستان ناباب) تأثیر مثبت، مستقیم و قوی بوده، برابر با ۰/۶۷، (پای بندی خانواده به مذهب) تأثیر مثبت، مستقیم و خیلی خوب بوده، برابر با ۰/۸۱. (نحوه گذران اوقات فراغت) تأثیر مثبت، مستقیم و خیلی عالی بوده، برابر با ۰/۹۸، (شرایط اجتماعی خانواده) تأثیر مثبت، مستقیم و قوی بوده، برابر با ۰/۸۸. مورد تایید است.

پیشنهادات کاربردی: با توجه به نتایج تحقیق حاضر، بین سبک‌های هویت‌یابی اقتدار منطقی و استبدادی با خودکارآمدی در دانش‌آموزان ارتباط معنی دار وجود دارد، همین طور سبک‌های هویت‌یابی و خودکارآمدی، می‌توانند نوع نگرش مثبت یا منفی دانش‌آموزان دبیرستانی به بزهکاری را به‌طور معنی داری پیش‌بینی نمایند، لذا پیشنهاد می‌شود که مسئولین آموزش و پرورش با کمک مدیران مدارس، جلسات راهنمایی و مشاوره گروهی با والدینی که فرزندان آن‌ها در مدرسه رفتارهای بزهکارانه از خود بروز می‌دهند و یا مشکوک به بروز رفتارهای بزهکارانه هستند، در مدارس گذشته شود. در این جلسات راهنمایی و مشاوره گروهی که توسط متخصصان روان‌شناسی و مشاوره که صلاحیت‌های لازم را دارند برگزار می‌شود، می‌توان سبک‌های هویت‌یابی درست و مناسب را به والدین آموزش داد تا با یادگیری و اعمال سبک‌های هویت‌یابی درست و مناسب، در دانش‌آموزان احساس کارایی و خودکارآمدی و نگرش منفی به بزهکاری افزایش و نگرش مثبت به بزهکاری کاهش پیدا کند.

همان‌گونه که از ادبیات نظری تحقیق برمی‌آید خودکارآمدی از طریق به اشتراک گذاشتن بصیرت‌ها، دانش، تجربه و مدل‌های ذهنی دانش‌آموزان حاصل می‌شود. هم چنین خودکارآمدی بر پایه دانش و تجربه‌ای که در حافظه دانش‌آموزان وجود دارد بنا می‌شود و به مکانیسم‌هایی مانند سیاست‌ها، استراتژی‌ها و مدل‌هایی بر روی ذخیره دانش متکی است. مدیران مدارس به‌عنوان تصمیم‌گیرنده اصلی و هدایت‌کننده اصلی بایستی جهت تقویت حلقه‌های خودکارآمدی در مدارس دستور اجرایی نمودن استراتژی مناسب شناسایی و ذخیره دانش و تسهیم و چرخش دانش را تسهیل نمایند. یکی از اقداماتی که باید از آن حمایت کرده و بر ارائه مکانیزمی جهت عملیاتی کردن آن تلاش مضاعفی را در بین مدیران ایجاد نمایند نگرش به بزهکاری است. به همین منظور بایستی مدیران دورنمای تصویر شده از آینده را در اختیار مدیران ارشد قرار داده و از مدیر هر بخش جهت خودکارآمدی و نگرش به بزهکاری و مکانیزم لازم برای آن را خواستار شوند.

پیشنهادات به پژوهش‌گران آینده: در تحقیقات آتی می‌توان در زمینه عوامل مؤثر بر بررسی رابطه بین سبک‌های هویت‌یابی، خودکارآمدی و نگرش به بزهکاری در دانش‌آموزان پسر متوسطه دوم گرگان در سایر مدارس و مقاطع تحقیق نمود و تحقیق تطبیقی با نتایج تحقیق حاضر نیز صورت گیرد. هم چنین یکی از مهم‌ترین عوامل که در تحقیق حاضر کمتر به آن توجه شده است می‌توان مورد بحث و بررسی مجدد قرار گیرد شرایط محیطی و الزامات مورد نیاز برای خودکارآمدی است که این نیز می‌تواند یک پیشنهاد جدید برای تحقیقات آتی باشد. هم چنین مطالعات بعدی نیاز به بررسی نمونه‌های بیشتری دارد. هم چنین از نظر جغرافیایی می‌توان سازمان‌های بیشتری را مورد بررسی قرارداد و بین سازمان‌های مختلف در هر صنعت این عوامل را شناسایی، بررسی و مقایسه کرد. علاوه بر این، تحقیقاتی در زمینه نحوه کارگیری و تأثیر گذاشتن هر یک از این عوامل در سازمان، می‌تواند مفید واقع شود.

## References

- Abachi M. (2011). Juvenile criminal law in UN documents, Tehran: Majd Publishing.
- Abolghasemi A, et al. (2013). The relationship between social skills and self-efficacy with the tendency to use drugs in adolescents. *Journal of Sabzevar University of Medical Sciences*, 16 (4): 188-181.
- Ahmadi H, Moeini M. (2015). Investigating the Relationship between Social Skills and High Risk Behaviors of Youth: A Case Study of Shiraz. *Strategic Research on Social Issues in Iran*, 4 (1): 24-1.
- Azmoonyar P. (2009). Investigating the factors affecting the rate of juvenile delinquency among adolescent boys in Maragheh. Thesis. Payame Noor University, Department of Social Sciences.
- Benight C, Bandura A. (2004). Social cognitive theory of posttraumatic recovery: The role of perceived self- efficacy. *Behaviour Research and Therapy*, 42:1129-1148.
- Berzonsky M D. (1989). Identity style: Conceptualization and measurement. *Journal of Adolescent Research*, 4: 281-267.
- Bruinsma G J N. (1992). Differential association theory reconsidered: An extension and its empirical test. *Journal of Quantitative Criminology*, 8(1): 29-49.
- Cleveland M J, Feinberg M E, Greenberg M T (2010). Protective families in high-and low-risk environments: Implications for adolescent substance use. *Journal of youth and adolescence*, 39(2): 114-126
- Farjad M H. (2004). Pathology and social deviations. Tehran: Judiciary, Tehran Press and Publishing Center.
- Green D E. (1989). Measures of illegal behavior in individual-level deterrence research. *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 26(3): 253-275.
- Habibi M, et al. (2012). Predicting substance use in adolescents based on risk-taking and protective indicators of individual, family, peer and place of prevention. *Journal of Clinical Psychology*, 4 (1): 43-54.
- Hashemianfar A, Akbarzadeh A. (2014). Survey and comparison of social participation of parents of delinquent adolescents and ordinary adolescents in school affairs. *Journal of Sociological Studies of Youth*, 5 (15): 180-157.
- Hejazi E, Fartash S. (2006). Investigating the relationship between identity styles, identity commitment and the quality of friendship. *Journal of Women Research*, 4 (3): 76-61.
- Hooman H A. (2005). Structural Equation Modeling Using LISREL Software, Tehran: Samat.
- Hosseini Dolatabadi F, et al. (2013). The relationship between parenting styles, self-efficacy and attitudes toward delinquency in high school students. *Bi-Quarterly Journal of Criminal Law*, 4 (2): 88-67.
- Jokar B, Latifian M. (2006). Relationship between identity dimensions and goal orientation, *Journal of Social Sciences and Humanities, Shiraz University*. 25 (4): 46-27.
- Khalili S. (2010). Standardization of Springer and Phillips (1997) Individual Supporting Factors List for First and Second Year High School Students in Tehran, Master Thesis in Educational Research, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Roodehen Azad University
- Makhzan B. (2011). Factors affecting the self-efficacy of primary, secondary and high school principals in Karaj, complete master's degree, Islamic Azad University, Central Tehran Branch.

- Mousavi A S. (2016). *Applied Family Therapy with a Systemic Approach*, Tehran: Al-Zahra University Publisher, Second Edition.
- Narenjiha H. (2009). *Rapid assessment of the situation of substance abuse and dependence in Iran*, Dariush Institute, Deputy Minister of Cultural Affairs and Prevention of the Welfare Organization.
- Nye F. (1958). *Family relationships and delinquent behavior*. Oxford, England: John Wiley.
- O'connell M D, Boat T, Warner, K E. (2009) *Preventing mental, emotional and behavioral disorders among young people: progress and possibilities*. DC: national academy press.
- O'Leary A. (1992). *Self-efficacy and health: Behavioral and stress-physiological mediation*. *Cognitive therapy and research*, 16 (2): 229-245.
- Phillips D A, Shonkoff J P. (2000). *From neurons to neighborhoods: The science of early childhood development*: National Academies Press
- Rajaei A. (2002). *The role of family, school, peers and mass media in deviant behaviors of adolescent boys*. *Knowledge and Research of Islamic Azad University, Khorasgan Branch*, 11 and 12: 74-45.
- Scheier M F, Carver C S. (1992). *Effects of optimism on psychological and physical well-being: Theoretical overview and empirical update*. *Cognitive therapy and research*, 16(2): 201-228.
- Scheier M, Maddux J. (1982). *The self-efficacy scale: Construction and validation*. *Psychological Reports*, 51: 663-671.
- Shamsi F, Amirianzadeh M. (2017). *The mediating role of self-efficacy in the relationship between personality traits and social skills*. *Rollenological Methods and Models*, 6 (27): 14-1.
- Sharifi N. (2006). *Investigating the personal, academic and social problems of the students of the Islamic Azad University of Roodehen Branch and its relationship with the opposite sex, academic achievement, etc*. *News and Consulting Research*, 5 (18): 96-77.
- Shokrkon H, et al. (2001). *Investigating and comparing different types of identities in the dimensions of belief and interpersonal relationships in male and female students of Shahid Chamran University of Ahvaz*. *Journal of Educational Sciences and Psychology, Shahid Chamran University*, 3 (8): 98-73.
- Siegle L, Senna J. (1997). *Juvenile delinquency: Theory, practice and law*. 6th. Ed. Paol Alto: West Publishing Company.
- Springer F, Phillips J. (1997). *Individual protective factors index (IPFI): a measure of adolescence*.
- Sterling K L, Diamond P M, Mullen P D, et all. (2007), *Smoking-related self-efficacy intention: assessing factorial validity and structural, beliefs and relationships in 9th-12th grade current smokers in Texas*. *Addict Behav*; 32(9): 1863-1876.
- Yousefi M. (2015). *Investigating the prediction of delinquency based on identity styles, parenting and attachment to parents and peers*. *Integrated System of Scientific Journals*, 82-57.
- Zimmerman B, Kitsantas A. (2005). *Homework practices and academic achievement: The mediating role self-efficacy and perceived responsibility beliefs*. *Contemporary Educational Psychology*, 30: 397-417.

## Structural Equation Modeling Identity Styles and Self-efficacy With the Attitude to Crime in Students

Alireza Ghorbani<sup>1\*</sup>  
Samaneh Yazrloo<sup>2</sup>

### Abstract

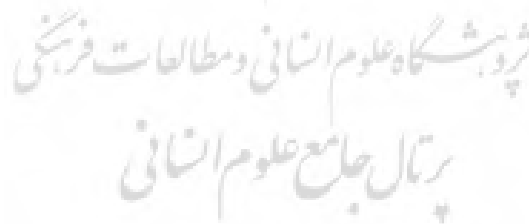
**Purpose:** The aim of this study was to investigate the relationship between identity identification styles and self-efficacy with delinquency attitudes in high school students in Gorgan.

**Methodology:** The research method was descriptive and correlational. The statistical population consisted of 2700 students, of which 330 students were selected by simple random sampling using the Brzonsky (1989) style identification questionnaire, Scherer and Maddox general self-efficacy questionnaire (1982) and dynamic delinquency attitude. (2009) answered. Correlation coefficient and regression with SPSS and Lisrel software were used to analyze the data.

**Findings:** Based on the research findings, there is a negative and significant relationship between identification style with a positive attitude towards delinquency ( $R = -0.96$ ), a positive and significant relationship between identification styles with self-efficacy ( $R = 0.73$ ) and a negative relationship between self-efficacy and delinquency attitude. And significant ( $R = -0.71$ ) was obtained. The results of regression analysis indicated that identity and self-efficacy styles can predict some variance of positive attitude towards delinquency ( $\beta = 0.96$ ). Structural equations also showed that the model had a good fit from real world data and the effect of self-efficacy variable on the components of delinquency attitude was confirmed and the fit was significant.

**Conclusion:** According to the findings of the present study, identity and self-efficacy styles can be used to reduce attitudes toward delinquency.

**Keywords:** Attitude to Delinquency, Identity Styles, Self-efficacy, Students



1. Assistant Professor, Department of Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran. (Corresponding Author). a\_ghorbani@pnu.ac.ir

2. Graduate student, Department of Social Sciences, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran.